

تقریر دفتر استاد سید کاظم مصطفوی «زید عزه العالی» از درس خارج فقه
استاد سید کاظم مصطفوی؛ 1393/10/28



موضوع: نکات مربوط به مسئله 16

حادثه دلخراش اهانت به ساحت مقدس رسول الله الاعظم حادثه ای است که قلوب مومنین را جریحه دار کرده است. ما به خدا پناه می بریم و دعا می کنیم خدایا می دانی که اگر ما توانش را داشتیم این حقیر شخصاً این جانیان را معاقبه می کردم اما الان که توانش را نداریم، با قلب های آکنده از حزن و اندوه به خاطر هتک حرمتی که به ساحت مقدس حضرت رسول شده است، کسی که محبوب ترین فرد جهان هستی است. کسی که عزیزترین آفریده خداست. کسی که واسطه اول در عالم آفرینش است. کسی که مصدر فیض و کرم و رحمت و مهر و هدایت است. کسی که رحمه للعالمین است. به ساحت مقدس اش اهانت شده است و قلب ما جریحه دار و پر از غم و غصه است.

نکات مربوط به مسئله 16

گفته شد مواردی که متنجس می شود و قابل عصر نیست و نجاست نفوذ می کند مثل نان و پنیر و حبوبات و غیره، غسل ظاهر کافی است. در جمع بندی گفته شد که این این قول فتوایی است مطابق با متن عروه و از فقه های عصر اخیر فقه های قم از شیخ حائری و سید بروجردی تا امام خمینی اختلاف نظر وجود ندارد و از فقه های نجف حتی از صاحب جواهر تا سیدنا الاستاد اختلاف نظر در اصل مسئله وجود ندارد. کفایت غسل ظاهر به عنوان فتوا اعلام شده است که می توانیم بگوییم اجماع متاخرین است. اما درباره ادله اش، ادله زیادی گفته شد که ما آنچه تشخیص می دهیم عمده تاً اینگونه غسل و تطهیر همان راه متعارف در تغسیلات و تطهیرات است. مویداتی از نصوص هم داشتیم درباره غسل خبز متنجس، نانی که متنجس شده بود و در آخر هم گفته شد که عمومات هم کمک می کند که دلیل عمده کفایت روش عرف و عدم دلیل بر حکم زائد بر آن است. نکته ای هم گفتیم از عمومات کتاب وسائل الشیعه باب 7 از ابواب نجاسات حدیث 2 و همچنین باب 8 حدیث 2.

اشکال و جواب آن

اگر اشکال بشود که گفتیم که اطلاق صحیح زراره آمده بود درباره «أصاب ثوبی دم رعا ف و غیره»، جواب آمده است که «تغسله»، اطلاق داشت. در حالی که اینجا مورد ثوب است و قابل عصر است و بحث جایی است که نفوذ می کند در باطن مثل پنیر و نان و قابل عصر نباشد، این مورد فرق دارد. جواب آن این است که اولاً مورد مخصّص نمی شود و ثانیاً «تغسله» در مقام بیان است، اگر جسمی که قابل عصر نبود به اینگونه تغسیل تطهیر نمی شد، باید بیان می کرد. جای بیان هم داشت. و ثالثاً عمومیتش آمده است که غیره، «غیره» یعنی تمام متنجسات را می گیرد. و رابعاً می گوییم عام دیگری هم است که در باب اول ابواب طهارت آن احادیثی که نسبت به طهوریت ماء آمده مخصوصاً آن حدیثی که می فرماید: یهود متنجس را مقراض می کرد، قیچی می کرد و شرع اسلام آب را طهور قرار داد، «جعل الله الماء طهوراً»، این از اطلاقات و عموماتی است که در عمومیت آن اشکالی نیست.

سوال: شاید روایت جهت داشته باشد

جواب: اصلاً در تمامی تطهیرات «جعل الله الماء طهوراً» است. و اما حدیثی که از عموماتی است که اصلاً درباره آن شکی نیست، صحیح داود بن فرقد «عن ابی عبد الله قال کان بنو اسرائیل اذا اصاب أحدهم قطره بول قرضوا لحومهم بالمقاریض و قد وسّع الله علیکم بأوسع ما بین السماء و جعل لكم الماء طهوراً» [1]. اگر خواستید عمومات تطهیر دلیل اقامه کنید، دلیل وسیع تر و کامل تر از این صحیح داود بن فرقد نیست.

اما فی الغسل بالماء الكثير

اما سید در ادامه می فرماید: «و أما فی الغسل بالماء الكثير فلا. يعتبر انفصال الغسالة و لا العصر و لا التعدّد و غیره بل بمجرد غمسه فی الماء بعد زوال العین يطهر و یکفی فی طهاره اعماقه ان وصلت النجاسة الیها نفوذ الماء الطاهر فی الكثير و لا. يلزم التجفیف اولاً. نعم لو نفذ فی عین البول مثلاً مع بقائه فیهِ يعتبر تجفیفه بمعنی عدم بقاء مائتته فیهِ»، با این متن استدلال را هم بیان کرده است. می فرماید: تمام اینها را که گفتیم با آب قلیل بود. اما اگر آب کثیر باشد، انفصال غساله معتبر نیست که گفتیم در تطهیر به آب قلیل انفصال غساله شرط است و گفتیم عصر در تطهیر لازم است، در تطهیر به آب قلیل لزوم ندارد و غیره که دلک و فرک هم هیچ لزومی ندارد. بلکه به محض فرو کردن متنجس در داخل آب یا آب را روی شیء متنجس مستولی ساختن کافی است البته بعد از زوال عین. بنابراین فرمودند که عصر و تعدد هم لازم نیست. اولاً عصر و انفصال غساله را که دو مطلب آوردیم ولی در ضمن بحث ها روشن شد که انفصال غساله با عصر تقریباً در عمل یک چیز خواهد بود و به وسیله عصر انفصال به عمل می آید. انفصال اگر صورت گرفت، عصر صورت گرفته. چون کیفیت غسل عرفی است، عرف می گوید که غسل این است که آب روی متنجس یا شیء مغسول که وصل شد، از آن طرف بیرون بیاید. و عصر هم برای این است که انفصال صورت

بگیرد.

در ظرف و متنجس به بول هم که با آب کثیر غسل شود یکبار کافی است «و لا التعدد»، در موارد اوانی و در مورد متنجس به بول و خمر که گفتیم تعدد شرط است، تعدد هم شرط نیست. چرا اکتفاء می کنیم به تطهیر مره واحده؟ برای اینکه از نصوص مخصوصا از صحیح محمد بن مسلم «و فی ماء جارٍ مره واحده» [2] که بعد از غسل به مرتین آمده بود. و بعد هم ماء معتصم و ماء کثیر مطهریتش اطلاق دارد و مقتضای اطلاق این است که نیازی به تعدد نیست و تغسیل مره واحده کافی است. فتوای سید استفاده از نصوص خاص و استفاده از عموم مطهریت آب کثیر است.

اما شرح مسئله

اما شرح مسئله از دید فقهاء: سیدنا الاستاد قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: درباره ماء کثیر که دو تا مطلب مورد توجه قرار گرفت: 1. عدم لزوم عصر، 2. عدم تعدد. نسبت به عدم عصر گفته می شود که متنجساتی که نجاست در باطنش رسوب می کند و قابل عصر است، درباره عصر اینگونه متنجسات فرق بین آب قلیل و کثیر وجود ندارد، با آب قلیل هم باید عصر بشود و با آب کثیر هم باید عصر بشود. مؤید که همان حدیث فقه رضوی و مرسله علامه بود که آمده بود «ثم تعصره»، منتها برای این مؤید می گوئیم که بر مبنای سید آن روایات سندش کامل نیست. که در آن نصوص عصر اطلاق دارد و اطلاق اقتضاء می کند که عصر به عمل بیاید آب قلیل باشد یا کثیر فرق نمی کند [3]. اما دلیل ما این است که عصر در متنجساتی که قابلیت عصر دارد جزء مقوم غسل است. غسل اشیاء متنجسی که نجاست را جذب می کند و بعد از جذب رسوب می کند و بعد از رسوب قابل عصر است، غسل در اینچنین متنجسات مقوم به عصر است و الا اصلا غسل صورت نگرفته. عصر انجام نشود، بلا شبهه شک در تطهیر می شود و شک در تطهیر شک در طهارت نیست. شک در تطهیر عدم طهارت و شک در طهارت، طهارت است. و نیاز به استصحاب نجاست هم نداریم چون استصحاب نجاست بر مبنای ایشان مشکل دارد که می شود استصحاب شبهه حکمیه.

دو حدیث متقابل هم و جمع آن دو

و اما درباره تعدد می فرماید: ما در مجموع دیدیم نصوصی که دالّ بر تعدد هستند، دسته اول مربوط است به تعدد تطهیر در اوانی که درباره اوانی آمده بود «سئل عن الكوز و الاناء یكون قدرا کیف یغسل و کم مره یغسل قال یغسل ثلاث مرات» [4]، این حدیث موثقه عمار ساباطی بود درباره اشتراط تعدد نسبت به اوانی. اما این یک حدیث معارض یا مطلق داشت که نسبت این حدیث را با آن مطلق در نظر بگیریم، نتیجه به دست می آید که صحیح محمد بن مسلم است، «قال سألت عن الكلب یشرب من الاناء قال اغسل الاناء» [5]، یک اطلاق آن هم در انائی که مورد ولوغ کلب هست. در موثقه عمار ساباطی آمده بود که «یغسل ثلاث مرات» جمع عرفی بین این دو روایت را سید می گوید که غسل ثلاث مرات را

حمل کنیم به آب قلیل و اگر اینگونه حمل نکنیم راه دیگری ندارد. راه دیگرش این است که اگر مقیّد را مقدم بداریم بر مطلق، مطلق لغو می شود که اغسله دیگر لغو می شود. بنابراین راه آن این است که اغسله را به اطلاقش محفوظ بداریم اما این تعدد را حمل کنیم به غسل ماء قلیل. نسبت به اوانی درست است همانطوری که در متن عروه آمده است که اگر با آب کثیر تطهیر به عمل بیاید غسل مره واحده کافی است، چون آن تعدد مربوط می شد به آب قلیل. اما تعدد مربوط به بول و خمر که در وسائل الشیعه باب 1 از ابواب نجاسات حدیث شماره 1 و 2 که صحیحه محمد بن مسلم است «عن احدهما علیه السلام سألته عن البول یصیب الثوب قال اغسله مرتین»، این حدیث که درباره تعدد آمده است. و درباره خمر هم «قال فی قدح أو اناء یشرب فیہ الخمر قال تغسله ثلاث مرّات» [6] روایت موثقه عمار بن موسی سبابی است. این دو تا تعددی که درباره بول و خمر است، راه حل آن این است که یک قیدی داریم که این قید مسئله را حل کرده است و فقط در آب جاری است که اطلاق روایت شماره 1 و 2 باب 1 از ابواب نجاسات و اطلاق صحیحه محمد بن مسلم بود و موثقه عمار سبابی، درباره متنجس به بول و متنجس به خمر، اطلاق داشت. اطلاقاً قلیل باشد یا کثیر باشد تعدد لازم است.

حدیث مرکن مقیّد اطلاقات است

سید می فرماید: برای این اطلاق یک تقیید داریم و آن صحیحه محمد بن مسلم «عن الثوب یصیبه البول قال اغسله فی المرن مرتین فان غسّله فی ماء جار فمره واحده» [7]، این دیگر هم تقیید است و هم نصّ است و ظهور و اطلاقی هم نیست. اگر ما قائل به تقیید هم نباشیم و بگوییم تعارض هم است، در صورت تعارض هم باید به این عمل کنیم چون روایت اولی ظهور دارد و این نصّ است و در تعارض نصّ مقدم بر ظاهر است. بنابراین تعددی که مربوط می شود به متنجس به بول و خمر تقیید می کنیم فقط به آب جاری اما به مطلق آب کثیر دیگر دلیل نداریم و اطلاق تعدد به قوت خود باقی است. لذا امام خمینی قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: موثقه عمار که دستور به تعدد داده است، اطلاق دارد و اطلاق به قوت خود باقی است. بنابراین متنجساتی که از لحاظ نصوص تطهیرشان به نحو تعدد آمده است با آب کثیر هم باید همان تعدد رعایت بشود و عدم تعدّد در مواردی است که از سوی نصّ درباره آنها تعددی نیامده باشد. بنابراین براساس فتوای امام آب هرچند کثیر باشد تطهیر به آب کثیر هم در متنجساتی که نیاز به تطهیر متعدد دارد، باید متعدداً تطهیر بشود [8]. تا به اینجا مربوط به متنجساتی که قابل عصر است در آب کثیر اما متنجساتی که قابل عصر نیست، اینها طریق تطهیرشان به چه صورت است، ان شاء الله جلسه بعد.

[1] وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج 1، ص 100، ابواباء مطلق، ب 1، ح 4، ط اسلامیه.

[2] وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج 2، ص 1002، ابوابنجاسات، ب 2، ح 1، ط اسلامیه.

[3] التّنیحفی شرحالعروه الوثقی، سید ابوالقاسم خویی، ج 4، ص 68.

[4] وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج 2، ص 1076، ابوابنجاسات، ب 53، ح 1، ط اسلامیه.

[5] وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج 1، ص 162، ابواباستار، ب 1، ح 3، ط اسلامیه.

- [6] وسائل الشيعه، شيخ حر عاملی، ج2، ص1074، ابوابنجاسات، ب51، ح1، ط اسلاميه.
- [7] وسائل الشيعه، شيخ حر عاملی، ج2، ص1002، ابوابنجاسات، ب2، ح1، ط اسلاميه.
- [8] كتابالطهاره، امام خميني، ج3، ص475.